

زبان تصویر

علم بیان و ساختار تصویرهای ادبی

دکتر محمود فضیلت

استاد دانشگاه تهران



سرشناسه	: فضیلت، محمود، ۱۳۲۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: زبان تصویر : علم بیان و ساختار تصویرهای ادبی / محمود فضیلت (عضو هیأت علمی دانشگاه تهران).
مشخصات نشر	: تهران: زوآر، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۰۳ ص.
شابک	: 978-964-401-450-5
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه : ص. ۱۸۷ - ۱۹۲.
یادداشت	: نمایه.
عنوان دیگر	: علم بیان و ساختار تصویرهای ادبی.
موضوع	: معانی و بیان.
موضوع	: صور خیال.
موضوع	: فارسی - بدیع.
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۰ ز ۲ ف / ۳۳۵۶ PIR
رده بندی دیویی	: ۸۴۲ / ۴۲۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۴۴۴۵۹۶



انتشارات زوآر

□ زبان تصویر (علم بیان و ساختار تصویرهای ادبی) □

□ تألیف / دکتر محمود فضیلت □

□ نوبت چاپ / اول - پاییز ۱۳۹۰ □

□ آماده سازی چاپ / شرکت قلم □

□ نظارت بر چاپ و صحافی / فرناز کریمی □

□ چاپ / خاشع □

□ شمارگان / ۱۱۰۰ نسخه □

□ شابک / ۵ - ۴۵۰ - ۴۰۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸ □

□ تهران: خیابان انقلاب: خیابان دوازدهم فروردین: نبش شهیدنظری: پلاک ۲۷۸ □

□ تلفن: ۰۳ ۲۵ ۴۶ ۶۶ - ۲۳ ۴۸ ۳۴ ۶۶ - نمابر: ۲۴ ۴۸ ۳۴ ۶۶ □

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	پیش از گفتار
۱۳	فصل یکم: بیان
۱۴	تخیل و علم بیان
۱۶	زبان و بیان
۱۷	دیدگاه بیانی
۱۹	طبقه بندی موضوعی علم بیان
۲۰	استقلال بیان
۲۲	سبب پیدایش بیان
۲۳	گستره بیان
۲۸	تشبیه
۲۹	ساختار تشبیه
۳۱	کارکرد تشبیه سازی ادبی
۳۱	ارزش تشبیه
۴۰	پایه های تشبیه
۴۸	فرق تشبیه تمثیل با ارسال مثل
۵۱	سبک سازی تشبیه تمثیل
۵۴	طبقه بندی تشبیه
۵۷	طبقه بندی شکل تشبیه
۶۲	کارکردهای معنایی تشبیه
۶۷	فصل دوم: استعاره
۶۹	دروغ راستین
۷۳	دیدگاه کلاسیک
۷۵	استعاره در شرق

۸۳	استعاره در غرب
۹۲	استعاره و روان شناسی
۹۳	استعاره شناسی تاریخی
۹۴	استعاره در مکتب های ادبی
۹۶	رابطه همنشینی و جانشینی در استعاره
۱۰۰	انسان انگاری
۱۰۱	جاندار انگاری
۱۰۲	استعاره اصلیه و تبعیه
۱۰۴	استعاره از دیدگاه آماری
۱۰۴	استعاره های وفاقیه، عنادیه و تهکمی
۱۰۶	استعاره مرکب
۱۰۷	استعاره کنایی
۱۰۷	اغراق در استعاره
۱۰۸	انواع استعاره در غرب
۱۱۰	پایه های استعاره
۱۱۰	گونه های استعاره
۱۱۵	فصل سوم: مجاز
۱۱۷	مجاز مرسل
۱۱۸	مجاز و زبان
۱۱۹	مجاز و محورهای همنشینی و جانشینی
۱۲۰	علاقه های مجاز در محورهای دوگانه زبان
۱۲۵	قرینه های مجاز
۱۲۶	طبقه بندی حقیقت و مجاز
۱۲۷	گونه های مجاز از نظر علاقه
۱۳۱	فرق استعاره و مجاز
۱۳۳	فصل چهارم: کنایه

۱۳۷	گونه‌های کنایه
۱۴۰	طبقه‌بندی دستوری کنایه
۱۴۷	فرق مجاز با کنایه
۱۴۹	علاقه موقعیت
۱۴۹	نقش ارتباطی کنایه
۱۵۰	کارکردهای کنایه
۱۵۲	شکل و محتوای کنایه
۱۵۵	کنایه در غرب
۱۵۹	فصل پنجم: گونه‌های پیرایانی
۱۶۳	انواع نماد
۱۶۶	زمینه ذهنی نماد
۱۶۶	فرق نماد و استعاره
۱۶۷	نماد و کنایه
۱۶۸	نماد و تمثیل
۱۶۹	تمثیل
۱۷۱	تمثیل در غرب
۱۷۱	مثل
۱۷۱	حکمت
۱۷۲	حکایت
۱۷۳	افسانه
۱۸۱	کهن‌الگو
۱۸۱	ویژگی‌های تصویری کهن‌الگو
۱۸۱	ارزش تصویری کهن‌الگوها
۱۸۳	پیش‌الگو
۱۸۷	کتابنامه

پیش از گفتار

اکنون حدود بیست سال از فعالیت آموزشی و پژوهشی نگارنده در دانشگاه‌ها می‌گذرد و در این سال‌ها کار پژوهشی من، اغلب در زمینه نقد و بلاغت بوده است. تدریس دروس بلاغی و ارتباط نزدیک با نقد و بلاغت، این واقعیت را بیش از پیش آشکار کرده است که به رغم پژوهش‌های گسترده و گاه نوآرسانه‌ای که انجام شده است، هنوز تا طبقه بعدی علمی و مبتنی بر بنیان‌های اصیل و ساختارهای زبانی و ادبی فارسی راهی نه چندان کوتاه در پیش است. موج‌های نظری و ترجمه‌ای سر به آسمان کشیده کهن و نو، اندیشیدن در هوای زبان و ادب فارسی را ناهموار و دشوار کرده است. سیل قالب‌های مطالعه زبانی و ادبی از دیر باز تا امروز، امکان تأمل و رویش معیارهای بلاغی از زمینه زبان و ادب فارسی را که البته به طور طبیعی همگونی‌هایی نیز با نظریه‌های زبانی و ادبی دیگران خواهد داشت، زده است. یکی از پرسش‌هایی که کمتر مورد توجه قرار گرفته، این است که آیا زبان به عنوان ابزار ارتباط مستقیم و غیر زیبایی‌شناسانه می‌تواند با ادبیات که اغلب ویژگی‌های هنری آن مورد توجه پژوهشگران قرار می‌گیرد، ترکیب شود و زبان ادبی یعنی همان زبان تصویری را به وجود آورد؟ واقعیت این است که نگارنده در این کتاب می‌خواهد به تبیین دلایل‌هایی که برای پاسخ مثبت به این سؤال وجود دارد، بپردازد. شاید بدیهی‌ترین دلیل این است که زبان و ادبیات، - هر دو - کارکرد ارتباطی دارند. با این توضیح که در زبان، محتوای ارتباط یا پیام، مورد توجه است و در ادبیات شیوه و شکل ارتباط و ارائه پیام.

از این روی زبان به مقوله‌هایی چون لفظ و معنا و زیر گروه‌هایی چون واج، تکواژ، واژه، گروه، جمله، خاستگاه معنا، رابطه لفظ و معنا، دگرگونی معنا، گسترش معنا و از این گونه‌ها می‌پردازد و ادبیات اغلب به جنبه‌های زیبایی‌شناختی و هنری چون آرایه‌های ادبی، تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، رمز، کهن الگو، اسطوره و معنای پیرامونی جمله‌ها و عبارت‌ها و متون ادبی هر موضوع دیگر توجه دارد و البته هدف از کاربرد شیوه‌های زیبایی‌شناختی، باز هم ارتباط است، اما نه ارتباط زبانی و معمولی؛ بلکه ارتباط هنری و اثر گذارتر؛ که معانی و بیان را به هم پیوند می‌دهد یعنی بیان به اقتضای حال و به تعبیر مولوی پیام از موضع:

ورنه، آن پیام کز موضع بود بر زند بر مه، شکافیده‌شود

مولوی

ارتباط زبانی و معمولی با عرف و عقل و عادت صورت می‌گیرد. در حالی که در ارتباط ادبی، ماده زبان یعنی واژه‌ها، جمله‌ها و عبارت‌ها تا جایی که به اصل ارتباط آسیب نزنند، در معنای نا متعارف یا مجازی به کار می‌رود. از این روی زبان ادبی یعنی زیبایی‌آفرینی به شرط رعایت اصل ارتباط ارتباط با زبان ادبی اگر با تصویر یعنی عناصر خیال آمیز زبان توأم باشد، بیان یا علم بیان نامیده می‌شود و اگر ارتباط از طریق معنا یا معنای پیرامونی ذهنی، اما نا مختل، انجام پذیرد، موضوع مطالعه علم معانی است و در صورتی که متن ادبی و هر سروده و نوشته‌ای که از طریق زبان ادبی با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند، از نظر ساخت‌ها و ساختارهای زیبایی‌شناسانه، مطالعه و نقد و بررسی‌شود، کیفیت تحلیل و طبقه‌بندی عناصر آن، موضوع بدیع است.

در علم بیان، چنانکه پیداست زبان خیال و عناصر و طبقه بندی آن بررسی می‌شود. این علم در واقع توضیح می‌دهد که چگونه و با چه شیوه‌هایی می‌توان از طریق زبان خیال امیز با دیگران به گونه‌ای موثر رابطه برقرار کرد.

سرانجام اینکه اگر زبان ادبی را - چنانکه گفته شد - به سبب اثر گذاری عمیق و فراهنجار آن، زبان برتر بدانیم؛ سه شاخه معانی، بیان و بدیع را باید از زیر گروه های آن به شمار آوریم که از آن میان، این کتاب به ارتباط از طریق تخیل یا علم بیان می‌پردازد.

محمود فضیلت

تهران، مرداد ماه ۱۳۹۰